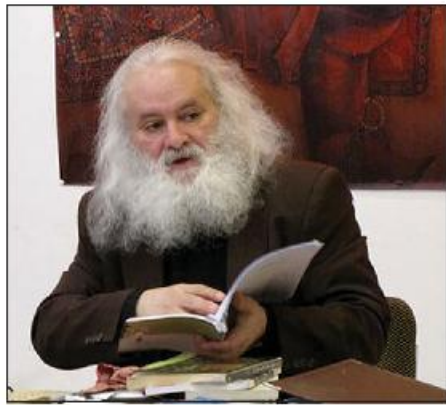


جابر عنصری، استاد مسلم عشق

مشاهده حضوری و شرکت فعال در جشنواره‌ها و سوگواره‌ها و آشنایی با آئین‌ها، عرف، عادات، به اصولی‌ترین روش گردآوری کرده است. عنصری، پژوهشگر و تحلیل‌گری بسیار حاذق و توانا بود که به برکت دانش سرشار و ذوق منحصر به فردی که در عرصه مردم‌شناسی و تربیت و فلسفه داشت، جلوه‌های جدیدی از گنجینه فرهنگ ملی ایران را بر ما گشوده است. وی، هیچگاه مخاطب خویش را با اصطلاحات غامض فلسفی به چالش نمی‌کشید و به طریق ادیبان، روان می‌نوشت و به روش سخنوران، شیوا سخن می‌راند. جابر عنصری نیز مانند دیگر پژوهشگران و استادان تعزیه از وضعیت این هنر ایرانی غمگین بود، و معتقد بود در مناطق مختلف کشور تعزیه‌خووانان بزرگی وجود دارند که به سوگواره‌ها دعوت نمی‌شوند و گوشه‌نشین شده‌اند. اگر لباس‌ها، سرودها و نغمه‌های بومی را که مردم هر منطقه با آن آشنایی دارند را از تعزیه بگیریم، در واقع جان تعزیه را گرفته‌ایم. به باور او، ما نیازمند به روز کردن تعزیه هستیم، ولی زمانی که آهنگ‌ها، اشعار، صحنه‌آرایی و میدان‌آرایی آن را به درستی شناخته‌ایم، چگونه می‌توانیم دست به این کار بزنیم. این ایرانشناس و پژوهشگر که سال‌های طولانی به پرورش دانشجویان پرداخته بود، می‌گفت: قدسی‌تر از سروده‌های شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی در عالم وجود ندارد. حضرت علی (ع) آبروی بشریت است و در جهان بشریت نظیر این امام عظیم‌الشأن نمی‌توان کسی را پیدا کرد، همچنان که واقعه کربلا و حماسه آفرینی امام حسین (ع) نه تنها در جهان اسلام بلکه در سایر ادیان و کشورهای دنیا زبانزد همگان است و همه به وجود چنین امام و الگوی والایی وقف هستند.

از استاد جابر عنصری، کتب و مقالات زیادی به یادگار مانده و آثار او از مکتوبات ارزشمند و فاخر عرصه هنر، فرهنگ عامه و خصوصاً تعزیه است. از جمله می‌توان به کتاب‌هایی چون: «شناخت اساطیر ایران بر اساس



سمیه خاتونی - دکتر جابر عنصری، در سال ۱۳۲۴ در محله معمار اردبیل به دنیا آمد. پدرش کربلایی علی عنصری از شبیه‌خووان بود و بتلیل علاقه و ارادت داشت که به اتمه لطهار علیهم السلام داشت. هر ساله مراسم عزاداری، شبیه‌خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می‌نمود. جابر از کودکی به شبیه‌خوانی و تعزیه علاقه مند شد و زیر نظر پدر، مراسم شبیه‌خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه‌خوانی را بر گزار می‌نمود، جابر مشق‌های خود را در پشت نسخه‌های تعزیه می‌نوشت. او به تبع ارادت خالصانه خانواده به مقام والای حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، شیفته و شیدای آن امام عزیز گشت و تا پایان عمر، هیچ‌گاه از این مسیر باسعادت، باز نماند. جابر عنصری، تحصیلات مقدماتی را در شهر اردبیل و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران با کسب مقام اول ایران در رشته ادبیات به انجام رساند. سپس وارد دانشگاه تهران شد و تاسطح دکترای فلسفه و علوم تربیتی در ایران تحصیل کرد. در ادامه او با کسب تخصص دوره مردم‌شناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهش‌های قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و به ویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت. وی ۴۱ سال در دانشگاه‌های تهران به‌عنوان استاد ممتاز به تدریس و تحقیق اشتغال داشت و بیش از چهل کتاب در زمینه فرهنگ

ایران به رشته تحریر در آورده و صدها دانشجو تربیت کرد. وی از طرف مراکز فرهنگی به خاطر فعالیت‌های‌اش در عرصه هنر تعزیه و شبیه‌خوانی، لوح ویژه پدر تعزیه دانشگاهی ایران را دریافت کرد. حوزه فعالیت علمی او به صورت میان‌رشته‌ای و ترکیب فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، با مطالعات قومی، ایران‌شناسی و مردم‌شناسی عشایری، و هنرهای فولکلور و به ویژه نمایش‌های آیینی حوزه تمدنی ایران بزرگ بوده است. وی مدت‌ها در رادیو برنامه راه شب و در تلویزیون (تا سال ۱۳۶۷)

برنامه‌هایی در ارتباط با آیین‌های ایرانی و نمایش‌های سنتی اقوام ایران را اجرا می‌کرد.

مهمترین علاقه عنصری، ادبیات عامه، شبیه‌خوانی و تعزیه بود. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه داشت. وی که بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نمود، تعزیه را هنری به وسعت تمام ادوار تاریخ بشریت عنوان و معتقد بود تعزیه، اسطوره و تاریخ نیست بلکه فراتر از آن هاست. تعزیه معراج انسان است و چنان ارتباطی میان بنده و پروردگارش ایجاد می‌کند که او را به درستی با حقیق و وقایع دشت کربلا آگاه می‌سازد. عنصری، تعزیه را نمایشی می‌دانست که به جز ایران در هیچ جای دیگر وجود ندارد و این از افتخارات ما ایرانیان است. وی عمده دانش خویش را در این حوزه، از حضور فعال خویش در روابط اجتماعی و تعامل رو در رو، با مردم بدست آورده بود. و علاقه بسیار زیادی، توأم با وظیفه‌شناسی نسبت به شناخت فرهنگ‌های بومی ایران و جهان داشت. مردم‌شناسی متأثر از انسان‌شناسی را، سرلوحه کار خود قرار داد. مردم‌شناسی‌ای که داده‌های خود را از موضوعات اجتماعی، روانشناسی و ظواهرات بیرونی و مادی انسان، بدست می‌آورد و در این باب می‌گوید: در قلمرو مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، پژوهش از طریق



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله‌مذنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

پدر تعزیه دانشگاهی ایران

با انبوهی از کتاب‌ها و طومارهای خطی تعزیه‌ای ایران به کلاس می‌آمد. برآستی ندیده بودم، شوق استادی از آموزش بیشتر از شاگرد دبا شد. عنصری، در کلمه به کلمه درس‌های‌اش جان شیرین خود را صرف تدریس می‌کرد. حرارتی که از آتش درون‌اش شعله می‌گرفت و می‌سوخت. او استاد مسلم عشق بود و بنده معرفتی از حق که در نهادش به امانت سپرده شده بود. جابر عنصری، شاهنامه پژوه، ایران‌شناس و تعزیه‌شناس ایرانی و مردم‌شناسی متبحر بود که دانش خود را در باب هنرهای سنتی و فرهنگ عامه نه فقط از میان کلاس‌های درس و کتاب‌ها، بلکه از بطن جامعه بدست آورده بود. او معتقد بود: که ایران باستان در زوال دوران‌های خویش فرهنگ‌هایی از خود را به بیگانگان تسلسل داده است. فرهنگی که ریشه‌اش در ایران و قصه‌های علمیه و فولکلور آن بوده است. او فرهنگ بومی را معدنی بارور برای سینما و سایر حرکات سمبولیک می‌دانست. وی در این راستا می‌گوید: اما ای دریغ که امروزه افسانه‌های قومی از یاد رفته است. روزگاری هودج پزان کیکاووس و قلیچه حضرت سلیمان (ع)، چاشنی افسانه‌های مردم بود و کم‌کم موضوع فیلم‌های غربی گشت. نام‌شان تعویض گشت و ما حیران و لغت‌باز در دهان در برابر جعبه سحرآمیز تلویزیون نشستیم و افسانه پری‌ماهیان دریاها را از یاد بردیم و جزیره نشناخته قلم‌رو سرنندی پیتی و کنا، را نشناختیم. و شهر فرنگی در حرم خله دل کودکانمان اطراق کرده که فانوس خیال خیام، را از یاد ما برد و تارزان جنگل زاد، الگوی فیلم‌سازان گشت. لیچک قرمزی به شغل قرمزی تغییر نام داد و کارتون‌های متعدد غربی را آرست و قصه‌های علمیه ایرانی از کتاب لافوتن فرانسوی سر در آورده. عنصری، معتقد بود فرهنگ بی‌ثمر بیگانه نوعی غربت کلامی و تصویری بوجود آورده است. استفاده از فرهنگ بومی، بافت فیلم‌نامه را ظریف می‌سازد، و توراته‌ای از مضامین پربار را در طبق اخلاص، تقدیم پژوهشگر مخلص می‌سازد. فرهنگ بومی برای سینمای ایران، شناسنامه مهور به مهرشان و جلال صادر می‌سازد.

و اسیب‌سال‌های زندگی این استاد بزرگ با دل شکستگی و عزلت گذشت، او در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۵ در کتابخانه خود در گذشت، پیکر وی به خواست خودش و بدون اینکه کسی مطلع شود، به سرعت به بهشت زهرا (س) منتقل و در یکی از قطعات عادی آن به خاک سپرده شد. مراسم خاکسپاری او به درخواست خودش تنها با حضور ۹ تن برگزار شد و به وصیت او هزینه برگزاری مراسم ختم و یادبود هم به انجمن خیریه‌ای اختصاص پیدا کرد. تا هشتم ای رقیق، ندانی که کیستم / روزی ز من سراغ‌گیری که نیستم، روحش شاد



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

